

تأثیر مرگ تروتسکی



تد گرانت

| تد گرانت روزی را که خبر قتل تروتسکی از رادیو پخش شد را به خاطر می آورد. |

" هنوز این خبر، چشم ها را اشک آلود می کند "

خشم و غصب و احساس ناامیدی رفقا در سراسر دنیا غیرقابل تصور بود. استالینیست ها نوزده بار سعی کرده بودند تا تروتسکی را ترور کنند و این بار موفق شده بودند.

در آن زمان، حوادث جنگ دوم جهانی بسیار حیرت بود به طوری که [برخلاف شرایط صلح] مرگ تروتسکی نمی توانست اثری بر آن داشته باشد. از این رو استالین، به روی به قتل رساندن تروتسکی [توسط

تروویست هایش] در آن زمان حساب باز کرده بود. استالین فکر می کرد که در آشفتگی عمومی ناشی از جنگ، قتل تروتسکی مورد توجه قرار نمی گیرد. اما قتل تروتسکی اثر بزرگی بر روی ما گذاشت و حتی ما را در انگلستان و سطح بین المللی در دنباله روی از او مستعدتر نمود.

بعد از ترور تروتسکی، ما کمی «حزب کارگران سوسیالیست آمریکا» را به خاطر این که از تروتسکی بهتر محافظت نکرده بود نکوهش کردیم؛ البته ما هیچ انتقادی را در سطح عمومی انجام ندادیم.

اما چه عکس العملی بعد از ترور تروتسکی از جانب ما صورت گرفت؟ واکنش فوری ما شروع یک کمپین جهت افشای جنایت استالینیست ها بود. اخبار ترور تروتسکی به شکل کاملاً افترض آمیزی در روزنامه‌ی کارگری حزب کمونیست [استالینیست] توسط «ج ار کمپبل» منتشر شد. در این روزنامه درج شده بود که یکی از پیروان تروتسکی او را به قتل رسانده است و استالین و دستگاه بوروکراتیک او هیچ نقشی در این ترور نداشته است. ما این دروغ را افشاء کردیم.

در آن زمان من درگیر «اتحادیه بین المللی کارگران» بودم که در جهت مبارزه بر علیه‌ی جنگ امپریالیستی ساخته شده بود. ما برای به قدرت رسیدن یک دولت کارگری مبارزه می کردیم که بعد از ملی کردن اقتصاد، اگر لازم شد جنگ انقلابی را بر علیه هیتلر سازمان دهد.

بدون وجود تروتسکی ما نابینا شده بودیم. تروتسکی در بسیاری از موارد حتی از لنین هم بزرگ تر بود، تروتسکی در کارهای تتوریک اش در بین سال های ۱۹۲۳ و ۱۹۴۰ ضمن توسعه‌ی مارکسیزم و لنینیزم به آن ها عمق بخشید. تجزیه و تحلیل تروتسکی در مورد رویدادهای اسپانیا، به طور مشخص انقلاب ۳۷- ۱۹۳۱، فرانسه، انگلستان در زمان اعتصاب بزرگ،

چین در سال های ۲۷- ۱۹۲۵ و آلمان در مبارزه بر علیه هیتلر، پیروانش را برای مبارزه ایی که در پیش رو داشتند، مسلح نمود.

بالاخر از همه، ما بدون تروتسکی یک تجزیه و تحلیل [مدونی] از استالینیزم نداشتیم. نقد تروتسکی به «بین الملل کمونیستی» دوباره در جریان حوادث صحت خودش را نشان داد.

ما احساس تأسف شدیدی می کردیم، چرا که شاید بتوان گفت که بهترین اثر تروتسکی در آخرین سال عمرش خلق شد. کتاب تروتسکی، «در دفاع از مارکسیزم»، در تجزیه و تحلیلش درباره ی شوروی و روند استالینیزم، صحتش را به اثبات رساند.

تروتسکی نشان داد که بوروکراسی یک طبقه یا صف بندی جدیدی نیست بلکه انحراف از سوسیالیزمی است که نمی تواند سوسیالیزم بیاورد. کتاب جالب تروتسکی با وجود اینکه در آن زمان و در این مورد نوشته شده بود در سال ۱۹۴۵ انتشار یافت. استالین به روی دولت های انگلیس و آمریکا و سایر کشورها فشار اعمال کرد که از انتشار کتاب تروتسکی تا پس از جنگ پرهیز کنند. آثار تروتسکی یک بنیاد ژرف تنوریک به جنبش [کمونیستی] بخشید. اگر تروتسکی برای پنج سال دیگر زندگی می کرد، و آثار این چینی را تولید می نمود، بدون شک امتیاز بزرگی برای جنبش کارگری محسوب می شد.

اگر تروتسکی ترور نمی شد و می توانست در دوره ی پس از جنگ دوم جهانی زندگی کند، نمی توانست در مسیر حوادث تفاوت بنیادی به وجود آورد؛ چرا که پیروزی استالینیزم از یک طرف و احیای سرمایه داری از طرف دیگر سبب ممانعت از وقوع انقلابی شده بود که تروتسکی در انتظار وقوع آن بود.

در کشورهای فرانسه، انگلستان، آلمان و سایر کشورها اگر چیزی که حزب کمونیست نامیده می شد، یک حزب انقلابی بود، آن ها قادر بودند که انقلاب را در قاره ی اروپا گسترش داده و مشکلات طبقه ی کارگر در ابعاد ملی و بین المللی را یک بار برای همیشه حل کنند.

اما اگر تروتسکی زنده بود، او کارگران را بهتر مسلح می کرد. در صورت زنده بودن تروتسکی؛ دیگر مصیبت مطلقى از جانب افرادی که دعوی پشتیبانی از تروتسکی می کردند اما در واقعیت ایده های او را کاملاً تحریف می کردند، وجود نداشت. و اگر تروتسکی زنده بود که جنبش را هدایت کند بسیاری از ضایعات و خساراتی که ناشی تجزیه های جنبش بودند، دیگر وجود خارجی نداشتند.

تروتسکی به تحلیل ما از شرایط موجود کمک شایانی کرد. نتایج آن تحلیل بر تحکیم سرمایه داری در کشورهای صنعتی و تثبیت قدرت استالینیزم در کشورهای اروپای شرقی و شوروی برای یک مدت زمان موقت که حالا دیگر سپری شده، تأکید می کرد. این تئوری تروتسکی کاملاً متحقق شد و حتی به طور فزون تری در طی سال ۱۹۹۰ به اثبات خواهد رسید. به طور مشخص اخباری که از شوروی می آید حرکت کاملاً ضدانقلابی ای که گورباچف جهت باز گرداندن سرمایه داری در پیش گرفته- نشان می دهد که چقدر تجزیه و تحلیل تروتسکی از استالینیزم و روندی که در شرف وقوع در جهان است، صحیح بوده است.

همان طور که تروتسکی پیش بینی نمود، بوروکراسی برای حفظ امتیازاتش وادار می شود به سوی سرمایه داری چرخش نموده و به طور آشکار در کنار ضدانقلاب قرار گیرد.

بوروکرات ها سعی دارند از افرادی مانند بوش، تاچر و کوهل کمک بگیرند. خیلی تهوع آور است وقتی می بینید که چطور گورباچف چاپلوسانه در مقابل امپریالیست ها از خود فروتنی نشان می دهد. در بحره‌ی زمانی که آغاز شده، با این که استالینیزم پیش تر در شوروی و بلوک شرق فرو پاشیده است، سرمایه داری در [کشورهای غربی نیز] رو به انحطاط و زوال خواهد رفت.

در پنجاه سال گذشته، ما ضمن بنا کردن، دفاع و عمق بخشیدن به ایده های تروتسکی، جنبشی را ساختیم که سرانجام باعث تغییر و دگرگونی حزب کارگر و اتحادیه های کارگری در انگلستان و سطح بین المللی خواهد شد.

حتی هم اکنون هم که به گذشته باز می گردیم، به زمانی که تروتسکی ترور شد، چشمانمان اشک آلود می شود. تروتسکی چه فداکاری بزرگی کرد. در حالی که خانواده اش کشته شدند، رفقایش، بلشویک های قدیمی، همگی نابود شدند و این یک پیروزی برای استالینیزم و رفورومیزم بود، با تحمل همه‌ی این مشکلات هرگز ضرورت کار برای آماده سازی کادرهای انقلابی جهت تکامل هر چه بیش تر جنبش را متوقف نکرد.

بر اساس ایده های تروتسکی و در عین حال توسعه و ژرفا بخشیدن به آن هاست که ما به سوی پیروزی پیش می رویم.

ترجمه: رنوا راسخ

آدرس اینترنتی کتابخانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: yasharzarri@gmail.com

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری